

عقل و دین

قربان علی رضایی

نوشته حاضر حاصل تلاش برادر ارجمند قربان علی رضایی از مریبان گرامی عقیدتی سیاسی سپاه است که جهت استفاده مریبان عزیز برای نشریه ارسال گردیده است. ضمن تقدیر و تشکر از نویسنده محترم نظر خوانندگان گرامی را به مطالعه آن جلب می‌کنیم.

امروزه در جهان شاهد تلاش فراوانی از سوی دستگاه‌های تبلیغاتی غرب در جهت به انزوا کشیدن دین از صحنه سیاست و هدایت جامعه هستیم، این کوشش‌ها تحت عناوین مختلف همانند انفکاک دین از سیاست و حکومت و یا نفی رابطه بین علم و دین و یا عقل و دین و نظایر آن صورت می‌گیرد و متأسفانه پیگیری این مباحث در داخل نیز توسط معدودی معلوم الحال به شدت تعقیب و ترویج می‌شود. از این رو در این مختصر به دنبال تبیین و توضیح رابطه محکم بین عقل و دین بوده و چنانچه نقص و نارسایی باشد حمل بر قصور قلم و بضاعت ناچیز نگارنده خواهد بود.

مقدمه

فلسفه بعثت انبیای الهی در اصل بر پایه عقل و خرد استوار است و منشأ و مبنایی عقلایی دارد که همانا رساندن انسان به کمال حقیقی و سعادت واقعی است.

قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) نقش عقل و اندیشیدن و تعقل انسانی را ستوده و صاحبان خرد و اندیشه را مخاطب می‌سازند و کسانی را که عقل خویش را به کار نمی‌اندازند و از درک حقیقت غافلند، مورد مذمت و سرزنش قرار می‌دهند.

البته باید اذعان داشت که عقل به تنهایی برای هدایت بشر کفایت نمی‌کند، در آنجایی که عقل از درک حقیقت عاجز می‌ماند شریعت اسلام با پرتو خود به کمک عقل آمده و افق دید عقل را گسترش می‌بخشد و این گونه حکم عقل را تقویت می‌نماید.

مفهوم عقل و دین

«عقل» در اصل از «عقال»، به معنی طنابی است که بر پای شتر می‌بندند تا حرکت نکند؛ و چون نیروی عقل، انسان را از کارهای ناهنجار باز می‌دارد، این واژه بر آن اطلاق شده است. (۱) و گاه به معنی حجر، منع، روح، فهم و شعور نیز به کار می‌رود. (۲) و عاقل کسی است که می‌تواند نفس خویش را کنترل کند، و از هوی و هوس باز دارد. (۳)

«دین» واژه‌ای است عربی که در لغت به معنای، اطاعت، پیروی، انقیاد، خضوع، تسلیم و جزا آمده است (۴). معنای اصطلاحی دین، اطاعتی است که خداوند از بندگانش خود می‌خواهد و آن را برای آنان بیان می‌کند، و لازمه مطیع خدا بودن این است که آدمی آنچه از معارف را که برایش روشن و مسلم شده اخذ کند، و در آنچه برایش مشتبه است توقف کند، بدون اینکه کمترین تصرفی از پیش خود، در آنها بکند. (۵)

حقیقت دین

دین - بنا بر آنچه گذشت - به مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و دستوراتی گفته می‌شود که برای اداره امور جامعه و پرورش - روحی - انسان‌ها وضع شده باشد.

ملاک و میزان حقانیت دین هاهنگی قوانین و مقررات دین با نیاز واقعی جامعه و مناسبت آن با تحولات اجتماع، و مطابقت آن با سرشت و فطرت انسان است. البته دین حق، دینی است که از طرف خداوند آمده باشد. (۶)

ضرورت وجود دین

قرآن کریم در بسیاری از موارد ارزش عقل را بازگو کرده و انسان را به تعقل فرا می‌خواند، لیکن در بسیاری از موارد نیز بر ضرورت وجود وحی به دلیل عدم کفایت عقل تأکید کرده است.

به عبارت دیگر، گرچه عقل را لازم می‌داند، لیکن آن را برای هدایت بشر کافی ندانسته و وجود وحی را نیز ضروری می‌شمارد. (۷)

دین در منظر آیات

قرآن کریم اراده دین را تنها در شأن ذات اقدس الهی معرفی کرده با عبارت‌های گوناگون بر آن تأکید می‌نماید. گاه آن را به خداوند نسبت می‌دهد و می‌فرماید:

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَكَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا. (نصر: ۲)

و می‌بینی مردم گروه گروه وارد دین خدا می‌شوند.

و گاه دین را ملک خداوند و قلمرو نفوذ او می‌خواند و می‌فرماید:

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ. (بقره: ۱۹۳)

و با آن‌ها بپیکار کنید تا فتنه باقی نماند؛ و دین، مخصوص خدا گردد.

قرآن کریم در مورد حق بودن دین الهی می‌فرماید:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ. (توبه: ۳۳)

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد.

همچنین درباره وحی خود به پیامبران برای تبذیر و تبشیر انسان‌ها، باقی نماندن حجّتی برای خلافکاران، فرمود:

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ... وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ تَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ... (نساء: ۱۶۳ - ۱۶۵)

این آیات به خوبی عدم کفایت عقل را برای هدایت انسان می‌رساند؛ زیرا در صورت کفایت عقل، خداوند با اعطای آن، حجت را بر بشر تمام کرده، دیگر نیازی به ارسال پیامبر نبود و فرصت برای استدلال مردم در قیامت باقی می‌ماند.

دین در منظر روایات

رسول خدا (ص) فرمود:

إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرَ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ، وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ (۸)

تمام خیر و خوبی با عقل درک می‌شود، کسی که عقل ندارد، بی دین است.

و نیز فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ لِأَخَيْرٍ فِي دِينٍ لَاتَفَقَهُ فِيهِ وَلَا خَيْرٌ فِي دُنْيَا لَاتَدَبَّرُ فِيهَا وَلَا خَيْرٌ فِي نُسُكٍ لَأَوْرَعَ فِيهِ (٩)

در دینی که فهم و فقه نباشد چیزی وجود ندارد و دنیایی که تدبّر و اندیشه همراه ندارد، بی خیر است، و عبادت بدون پارسایی سودی ندارد.

امیر المؤمنین (ع) فرمود:

مَنْ لَادِينٍ لَهُ لَاتَنْجَاةَ لَهُ (١٠)

هر که را دین نباشد نجات و رستگاری برایش نخواهد بود.

و نیز فرمود:

إِنَّ شَرَائِعَ الدِّينِ وَاحِدَةٌ وَسُبُلُهُ قَاصِدَةٌ مَنْ أَخَذَ بِهَا لِحَقٍّ وَعَظِيمٍ وَمَنْ وَقَفَ عَنْهَا ضَلَّ وَتَدَمَّ (١١)

همانا قوانین دین - که نزد ما است - یک راه است و آن راست - و کوتاه - است. هر کس از احکام دین پیروی نمود و در آن راهها قدم نهاد، به حق ملحق و بهره‌مند شده، و هر که در آن راه نرفت، گمراه و پشیمان شد.

و نیز فرمود:

حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ نِظَامُ الدِّينِ (١٢)

دوستی ما خاندان نبوت، نظام دین است.

امام صادق (ع) فرمود:

مَنْ عَرَفَ دِينَهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ زَالَتْ الْجِبَالُ قَبْلَ أَنْ يَزُولَ، وَمَنْ دَخَلَ فِي أَمْرِ يَجْهَلُ خَرَجَ مِنْهُ بِجَهْلٍ. (١٣)

هر کس از کتاب خدای عزوجل دین خود را بشناسد، اگر کوهها بلغزند، او محکم و استوار باشد. و هر که به جهالت و نادانی دست به کاری زند، با نادانی و جهالت از آن بیرون آید.

استواری اساس ادیان آسمانی بر پایه عقل و خرد

اگر دینی بگوید قضاوت عقل درباره مذهب بی ارزش است و به اصطلاح، حوزه دین را برای عقل «منطقه ممنوعه اعلام کند»، آن دین تیشه به ریشه خود زده و اساس خود را منهدم و شالوده خویش را بیخ و بن کننده است. هر مذهبی که خود را حق می‌داند و مردم

را به سوی خود دعوت می‌کند، ناگزیر است که برای ادراکات عقلی مردم ارزش قائل شود و به مردم بگوید:

عقل خویش را به کار گیرید و درباره دین حق مطالعه و تفکر کنید، تا پس از تحقیق کامل اگر آن را حق دانستید، بپذیرید.

بنابراین مذهب حق، عقل را در معارف اساسی دین به قضاوت می‌خواند، و از ادراکات عقلی مرد. برای معرفی خود استمداد می‌جوید و تشخیص عقل و خرد را محترم می‌شمارد. (۱۴)

عقل و ارزش آن در اسلام

آغوش آیین انسان ساز اسلام، همواره به روی دانش و معرفت و شناخت گشوده و راه شناخت خود را برای خرده‌های آگاه و روشن، باز و هموار نموده است. دین مقدس اسلام، از آغاز، پیام آزادی عقل را سر داده، و او را دعوت به ایفای نقش خطیر خویش در هدایت بشریت نموده است. (۱۵)

اصلاح زندگی و فراهم کردن زمینه‌های خیر و سعادت انسان در گرو عقل و تفکر می‌باشد.

الف - عقل از نظر قرآن کریم

۱- كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ. (بقره: ۲۴۲)

این گونه خداوند آیاتش را برای شما تعیین می‌کند تا عقل خود را به کار گیرید و اندیشه کنید.

۲- إِنَّ فِي سَمِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ آيَاتٍ لِأُولِي الْأَبْصَارِ. (آل عمران: ۱۹۰)

در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز نشانه‌هایی است برای صاحبان خرد.

و کسانی را که از اندیشه خویش سودی نمی‌برند به عنوان بدترین چهار پایان توصیف کرد:

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ. (انفال: ۲۲)

بدترین جنبندگان کسانی هستند که کر و گنگ و بی عقلند.

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ. (عنكبوت: ۴۹)

آیات روشن الهی است در لوح سینه آنان که از خدا نور علم و دانش یافتند و آیات ما را جز مردم ستم کار انکار نکنند.

از مجموع آیات به خوبی استفاده می‌شود که قرآن مجید تعبیرهای بسیار متنوعی از عقل و خرد دارد که هر کدام به یکی از ابعاد این گوهر نفسانی اشاره می‌کند.

ب - مقام عقل در روایات

در روایات اسلامی، به گوهر عقل و خرد بسیار بها داده شده است و عقل به عنوان اساس و شالودهٔ دین، بزرگ‌ترین غنا و برترین سرمایه، راهوارترین مرکب، و سرانجام ملاک و معیار برای تقرب إلى الله و کسب پاداش معرفی گردیده است. (۱۶)

در حدیثی از امام علی (ع) آمده است که جبرئیل بر آدم نازل شد و گفت: من مأمور هستم که تو را میان یکی از این سه مخیر کنم، تا یکی را برگزینی، و بقیه را رها کنی آدم گفت: آن چیست؟ جبرئیل گفت: «عقل» و «حیاء» و «دین». آدم گفت: من عقل را برگزیدم، جبرئیل به «حیاء» و «دین» گفت او را رها کنید و به دنبال کار خود بروید. گفتند: ما مأموریم همه جا با عقل باشیم و از آن جدا نشویم! جبرئیل گفت: حال که چنین است به مأموریت خود عمل کنید. سپس به آسمان صعود کرد. (۱۷)

امام صادق (ع) در حدیثی، زوال عقل را زوال دیگر نعمت‌ها می‌داند:

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُزِيلَ مِنْ عَبْدٍ نِعْمَةً كَانَ أَوَّلُ مَا يُعَيِّرُ مِنْهُ عَقْلَهُ (۱۸)

هنگامی که خداوند بخواهد نعمتی را از بنده‌اش (به خاطر ناسپاسی) بگیرد اولین چیزی را که از او دگرگون می‌سازد، عقل او است.

در حدیث دیگری پیامبر اکرم (ص) موجودیت و دین انسان را به عقل وابسته می‌داند:

قَوَامُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ، وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ (۱۹)

اساس موجودیت انسان عقل اوست، و آن کس که عقل ندارد، دین ندارد.

همچنین عقل را بهترین نعمت خدادادی برمی‌شمارد:

مَا قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبَادِ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ... وَمَا أَدَّى الْعَبْدُ فَرَائِضَ اللَّهِ حَتَّى
عَقَلَ عَنْهُ، وَلَا بَلَغَ جَمِيعَ الْعَابِدِينَ فِي فَضْلِ عِبَادَتِهِمْ مَا بَلَغَ الْعَاقِلُ (۲۰)

خدا در میان بندگان نعمتی برتر از عقل تقسیم نکرده، و بندگان، فرایض الهی را به جای
نمی‌آورند تا آنها را با عقل خود دریابند و تمام عابدان در فضیلت عبادتشان به پایهٔ عاقل
نمی‌رسند.

و حدیث دیگر، هدف از عبادت را - تکامل - عقل می‌داند:

لِكُلِّ شَيْءٍ آلَةٌ وَعُدَّةٌ، وَآلَةُ الْمُؤْمِنِ وَعُدَّتُهُ الْعَقْلُ، وَلِكُلِّ شَيْءٍ مَطِيئَةٌ وَمَطِيئَةُ الْمَرْءِ
الْعَقْلُ، وَلِكُلِّ شَيْءٍ غَايَةٌ وَغَايَةُ الْعِبَادَةِ الْعَقْلُ (۲۱)

برای هر چیز ابزار و وسائلی است، و ابزار و وسائل مؤمن، عقل است، و برای هر چیز مرکبی
است و مرکب راهوار انسان عقل است. و برای هر چیز هدفی است، و هدف از عبادت، [تکامل]
عقل است.

حجیت عقل

حضور عقل در دامن شریعت، همانند چراغی روشن، صاحب خود را به اصل رسالت
و منشأ شریعت هدایت می‌کند. و با تمسک به این چراغ است که احکام شریعت معقول و
ممتاز می‌گردد. اعتبار و حجیت عقل در استنباط احکام شریعت موجب شده است تا
امامیه در کنار سه منبع دیگر فقهی یعنی کتاب، سنت، اجماع، از آن به عنوان چهارمین منبع
فقهی یاد نماید. (۲۲)

اساساً حجیت عقل هم به حکم خود عقل ثابت است و هم به تأیید شرع. ما حقایق
شرع و اصول دین را به حکم عقل ثابت می‌کنیم.

معیار و میزان بودن عقل

عقل نسبت به برخی از اصول و مبادی عقلی و احکام مترتب بر آن، میزان و معیار
می‌باشد و وحی نیز کلامی مخالف با آن ندارد تا سخن از سنجش آن با عقل برآید؛ زیرا
انسان با استعانت از این قواعد و اصول، ضرورت شریعت و وحی را اثبات می‌نماید.

عدم مخالفت وحی با موازین عقلی به آن معنا نیست که وحی در زمینه معارف و اصول
عقلی دین ساکت و صامت بوده و یا آنکه حق اظهار نظر ندارد، بلکه به این معنا است که
آنچه وحی در این محدوده بیان می‌نماید، اظهار همان گنجینه‌هایی است که در عقول
آدمیان ذخیره شده است. (۲۳)

نتیجه‌گیری

قرآن کریم با برقراری پیوند استواری بین دین و عقل، انسان‌ها را به تعقل و اندیشیدن دعوت می‌نماید و دروازه‌های کاوش و اندیشه را در برابر عقل می‌گشاید.

هر دستوری از دستورات اسلام بر اساس حکمت است، و راه تشخیص و دریافت این حکمت‌ها نیز عقل و تفکر می‌باشد.

پیوند مستحکمی که در اسلام میان عقل و دین برقرار است در هیچ دین دیگری وجود ندارد. اسلام عقل را هم چون چراغی می‌داند جهت شناخت حقایق دینی؛ چرا که ضرورت وجود دین از راه استدلال و براهین عقلی به اثبات می‌رسد. با این وجود در هیچ حالتی انسان بی‌نیاز از دین نیست.

اگر انسان از سرچشمه وحی و تعلیمات انبیای الهی دور بشود، سرانجام کارش سقوط خواهد بود.

بنابراین انسان در تمام ابعاد زندگی نیازمند دین هست. و عقل در کنار شریعت معنی و مفهوم پیدا می‌کند، عقل تنها، برای هدایت بشر کافی نیست بلکه بشر همواره نیازمند به ارشاد و هدایت انبیاء الهی است به عبارتی، جدائی انسان از دین موجب جدائی او از امنیت، و جدایی او از عقل موجب جدایی او از زندگی خواهد شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی